

اثر بخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش عملکرد زوج‌های ناسازگار منصور سودانی^۱

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

مهناز مهرابی‌زاده هنرمند

استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

زیبا سلطانی

عضو هیات علمی، دانشگاه پیام نور شهر کرد

پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۱۲

دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش بررسی اثر بخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل به شیوه‌ی گروهی بر افزایش عملکرد زوج‌های ناسازگار مراجعه‌کننده به مرکز بهزیستی شهرستان بروجن بود.

روش: طرح این پژوهش از نوع تجربی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی زوج‌های ناسازگار مراجعه‌کننده به اداره‌ی بهزیستی بروجن می‌باشد. نمونه آماری شامل ۲۰ زوج بود که از بین تعداد ۳۱ زوج، از زوج‌های ناسازگار که به فراخوان محقق برای بهبود عملکرد خانواده پاسخ مثبت دادند، به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به طور تصادفی به دو گروه مساوی (۱۰ زوج گروه آزمایش و ۱۰ زوج گروه کنترل) تقسیم شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه‌ی عملکرد خانواده بود. ابتدا افراد هر دو گروه مورد پیش‌آزمون قرار گرفتند و سپس آزمودنی‌های گروه آزمایش در ۸ جلسه آموزش تحلیل رفتار متقابل شرکت کردند. پس از پایان مداخله بر روی گروه آزمایش، آزمودنی‌های هر دو گروه به ابزار سنجش خانواده پاسخ دادند. یافته‌های تحقیق با استفاده از روش‌های آماری کوواریانس تک متغییری و چندمتغییری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده نشان داد که بین زوج‌های گروه آزمایش و گروه کنترل از لحاظ عملکرد کلی خانواده و حیطه‌های آن (حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و کارایی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گرفت که آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش عملکرد کلی خانواده و حیطه‌های آن در زوج‌های گروه آزمایش در مقایسه با زوج‌های گروه کنترل شد. تعمیم این آموزش به دیگر جنبه‌های زندگی می‌تواند از مشکلاتی که ممکن است برای زوجین به وجود آید، پیشگیری کند.

کلید واژه‌ها: تحلیل رفتار متقابل، عملکرد خانواده، زوج‌های ناسازگار

مقدمه

ازدواج از نظر اسلام امری مقدّس و ارزشمند است و در صورتی که با قصد قربت انجام گیرد، عبادت محسوب می‌شود و پاداش اخروی دارد. از بُعد اجتماعی، با ازدواج، زندگی دختر و پسر دگرگون می‌شود و شکل جدیدی به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، زن و شوهر، یک واحد کوچک اجتماعی را تشکیل می‌دهند، مسئولیت می‌پذیرند، به استقلال می‌رسند و زندگی آنها هدف‌دار می‌شود. از نظر روانی نیز، انسان دارای نیازهای متعددی است که ارضای به‌موقع آنها می‌تواند در سلامت جسم و روان و ایجاد تعادل، تأثیر زیادی داشته باشد. نیاز جنسی یکی از این نیازها است، که موجب تشکیل خانواده می‌گردد (احمدی، ۱۳۸۴).

مینوچین^۱ پیشگام خانواده درمانی ساختی معتقد است، ارگانسیم خانواده بیش از پویایی‌های زیستی- روانی یکایک اعضای خانواده‌اش است. خانواده بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به‌سر می‌برند. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. علاوه بر این، خانواده از یک ساخت نظام‌دار برخوردار است، صورت‌های پیچیده‌ای از پیام‌رسانی‌های آشکار و نهان را به وجود می‌آورد و روش‌های مذاکره و مسأله‌گشایی مفصلی را در اختیار دارد که به آن اجازه می‌دهد تا تکالیف مختلفی را با موفقیت به انجام برساند. در چنین نظامی، افراد با علایق و دل‌بستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند. ویژگی همه‌ی خانواده‌ها عبارت است از محبت، وفاداری و تداوم عضویت. همین ویژگی‌ها است که آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۱۹۹۶، ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی، ۱۳۸۵).

زندگی مشترک در حالی آغاز می‌شود که زوج‌ها علاقه‌مند به ایجاد یک زندگی سعادتمند عاری از اختلاف و مشاجره هستند و با امیال و آرزوهای مختلفی قدم به عرصه‌ی جدید می‌گذارند؛ اما چه می‌شود که به یک‌باره در آنها عشق و محبت و صمیمیت رنگ می‌بازد و جای خود را به اختلاف و ناسازگاری می‌دهد (النز، املکمپ، مج لوری و مارکوت^۳، ۱۹۸۰). به نظر گلدنبرگ (۱۹۹۸) درمان‌گران برای شناخت ریشه‌ی مشکلات مراجعان باید آن را در متن خانواده و جامعه مورد بررسی قرار دهند زیرا افراد در خانواده متولد می‌شوند، در درون خانواده رشد می‌کنند، در خانواده دچار مشکل می‌شوند و مشکلات آنها نیز باید در درون خانواده حل شود. به نظر کریستین بیلز^۴، از جمله ریشه‌ها و سرچشمه‌های خانواده درمانی، مردم‌شناسی است. او می‌گوید: ریشه‌های این ایده که معنا ناشی از تسلسل‌های رفتاری جاری در گروه طبیعی است، به سخنرانی‌های مارگارت مید^۵ مردم‌شناس معروف در دهه‌ی اوایل قرن بیستم بر می‌گردد (به نقل از ثنایی، ۱۳۸۱).

ازدواج و حتی باهم زندگی کردن با سایر مناسبات زندگی تفاوت دارد. وقتی زوج‌ها با هم زندگی می‌کنند و متعهد به حفظ زندگی مشترک هستند، توقعاتی از هم پیدامی‌کنند. هر کدام انتظار دارند که از علایق بی‌قید و شرط،

1. Minchin

2. Goldenberg & Goldenberg

3. Elens, Emmelkamp, macgillvetry & Markvoot

4. Kristine Bills

5. Margaret Made

صمیمیت، وفاداری و حمایت دیگری برخوردار باشند. به خاطر شدت توقعات و احساسات زن و شوهر از یکدیگر احتمال برداشت نادرست یا سوءتعبیر آنها از هم زیاد است. وقتی در اثر سوءتفاهم اختلافی بروز می‌کند، زن و شوهر به جای توجه به مسأله در مقام سرزنش همدیگر بر می‌آیند و وقتی مشکلات نمایان می‌شود خصومت، سرزنش و اختلاف بالایی می‌گیرد. در اینجا زن و شوهر جنبه‌های مثبت و قوی یکدیگر را از یاد می‌برند و به تدریج کار به جایی می‌کشد که در اصل زندگی مشترک سوء تفاهم فراهم می‌شود (بک^۱، ۱۹۶۴، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۲).

ازدواج یکی از بنیادهای تقریباً جهان‌شمول بشری است و هیچ بنیادی این چنین صمیمانه، زندگی افراد بشر را تحت تاثیر قرار نداده است. از سوی دیگر در انتخاب شیوه‌های درمانی مؤثر در زمینه‌ی مسائل بین فردی موجود در نظام زناشویی و خانوادگی توجه به این اصل حائز اهمیت است که رفتار متقابل دو نفر برآیند ماریج‌های علی بی‌شماری است که رفتار هر دوی آنها را شکل می‌دهد. به عبارتی بر اساس یک دید سیستمی، کنش‌های هر فردی در محیط، وابسته به کنش‌های سایر اعضای آن محیط است (ثنایی، ۱۳۷۵). در این دیدگاه فرد را نه یک سیستم بسته؛ بلکه یک سیستم پویای دائماً در حال ارتباط و تبادل اطلاعات با سیستم‌های دیگر در نظر می‌گیرند، افراد می‌توانند بینش مؤثر و کاراتری در زمینه‌ی کمک به فرد در ایجاد و هماهنگی سالم و پویا نه تعامل مخرب و ناسالم با محیط اطرافش داشته باشند. در همین راستا یکی از نظریه‌هایی که بر روابط بین فردی و واکنش‌های متقابل افراد با یکدیگر توجه دارد و در زمینه‌ی مسائل بین فردی، راه‌کارهای کاربردی و کارایی ارائه داده تحلیل رفتار متقابل^۲ یا تحلیل تبدالی است که برن^۳ در نیمه‌ی دوم قرن بیستم آن را ارائه داده است. تحلیل رفتار متقابل اصولاً نظریه‌ای است مبتنی بر این تصور که بخش عمده‌ای از عمر در تبادلها و تعامل‌های بین فردی می‌گذرد (شی و کارور^۴، ۱۹۶۵، ترجمه رضوانی، ۱۳۷۵).

برن (۱۹۷۵، ترجمه‌ی قراچه داغی، ۱۳۷۰) معتقد است کاربرد تحلیل روابط متقابل اصولاً در بررسی روابط زناشویی و پیوندهای اجتماعی گوناگون است. در این موقعیت‌ها، تحلیل روابط می‌تواند پیش بینی و بازنگری‌های مفید و قانع کننده‌ای را به دست آورد. در تحلیل روابط متقابل بیشتر بر روابط انسان‌ها با یکدیگر توجه می‌شود و اعتقاد بر این است که اگر افراد روابط سالم، مثبت و رضایت‌بخشی با یکدیگر داشته باشند و آن را جایگزین روابط تخریبی، منفی و تحقیرآمیز نمایند، قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی خود لذت ببرند (کلاتری، ۱۳۷۳).

کوری^۵ (۱۹۹۴)، معتقد است تحلیل رفتار متقابل به منزله‌ی یک روش درمان تعاملی است که بر جنبه‌های شناختی-عقلانی و رفتاری در فرآیند درمان تأکید می‌کند و هدف آن افزایش آگاهی و توانایی‌های فرد، برای تصمیم‌گیری و تغییر جریان زندگی خود است.

1. Beck

2. transactional analysis

3. Bern

4. Shear & Kover

5. Corey

با توجه به گزارش های اخیر که از افزایش میزان اختلاف های زناشویی، خشونت و حتی طلاق در کشور حکایت می کند (صالحی فرددی، ۱۳۷۸)، می توان به نقش و اهمیت پژوهش هایی که به ارائه ی راهکارهای مناسب در جهت بهبود کیفیت زندگی زناشویی و در نهایت حفظ بنیان خانواده منجر می گردد، پی برد. علاوه بر این تقاضای زوجها برای حل مشکلات ارتباطی و بالابردن کیفیت رابطه ی زناشویی، موجب ارائه ی مدل های متعدد درمانی شده است و انتخاب مدل درمانی کارآمد در چنین شرایطی اهمیت مضاعف دارد (بشارت، ۱۳۷۹).

باتوجه به آن که شیوهی تحلیل رفتار متقابل وسیله ای برای خودشناسی و چگونگی آموزش ارتباط با دیگران است، این مکتب روشی برای تشخیص مشکلات زندگی به شمار می رود (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۰). به علاوه برن (۱۹۶۴، ترجمه فصیح، ۱۳۸۴) در زمینه ی استفاده از شیوهی تحلیل رفتار متقابل در درمان زوجها، اذعان کرده است که از طریق تحلیل رفتار متقابل امکان سه نتیجه وجود دارد: ۱- بدترین امکان آن است که ازدواج دارای آشوبی قابل ملاحظه ولی تحت کنترل باقی بماند ۲- امکان دارد بسیاری از توقعات طرفین کنار گذاشته شود و هر دو در مسائلی مصالحه کنند و بالأخره ۳- بهترین فرجام آن است که خصلت ها و استعداد های بالقوه هم را شناسایی کنند. در این پژوهش سعی بر آن است تا اثر بخشی آموزش به شیوهی تحلیل رفتار متقابل بر عملکرد خانوادگی زوجها ناسازگار مورد بررسی قرار گیرد. می توان انتظار داشت که در صورت اثر بخشی این روش در بافت و فرهنگ ایران و نظر به سادگی درک و انتقال اغلب مفاهیم مطرح شده در این نظریه، بتوان آن را به عنوان شیوهی آموزشی - درمانی در حیطه های مختلف ارائه ی خدمات روان شناختی به زوجها، در سطح پیشگیری و درمان به متخصصان مربوط و مسئولان توصیه کرد.

نتایج پژوهش های مارکمن^۱ (۲۰۰۳) و ساندرسون و کارتسکی^۲ (۲۰۰۲) نشان می دهد میزان موفقیت آموزش مهارت های ارتباطی در کاهش تعارض زوجین حدود ۸۰٪ بوده است. چون^۳ (۲۰۰۷) تحقیقی تحت عنوان ۱۶ راه از تحلیل رفتار متقابل در گروه درمانی انجام داد. وی با استفاده از تکنیک های تحلیل رفتار متقابل که بر روی گروهی از مراجعه کنندگان به کلینیک های روان پزشکی انجام داد به این نتیجه دست یافت که استفاده از این روش درمانی باعث افزایش به کارگیری نیروی فکر در انجام کارها و همچنین در ازدیاد احساس شور و هیجان به بیماران کمک می کند. اسپرچر^۴ (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مهارت های برقراری ارتباط تعیین کننده ی اصلی سازگاری زناشویی و روابط متقابل زناشویی است و بسیاری از مشکلات زناشویی ناشی از سوء تفاهم و ارتباط غیر مؤثر است که نتیجه ی آن احساس ناکامی و خشم به خاطر عدم برآورده نشدن نیازها و خواسته های زن و شوهر در زندگی زناشویی است. کیسکی و تاسوکاک^۵ (۲۰۰۹) به بررسی حالات من دانشجویان دانشجویان پرستاری ترکیه با استفاده از دو رویکرد تحلیل رفتار متقابل پرداختند و نتیجه گرفتند که این دانشجویان هنگامی که با دیگران برخورد می کنند من بالغ خود را به کار می گیرند و در شرایط بحرانی کمترین

1. Mark man

2. Sanderson & Karetsky

3. Jon

4. Sprecher

5. Kececi & Tasocak

استفاده را از من والد می‌کنند. همچنین دانشجویان کمترین استفاده را از من کودک خود داشتند. لورنس^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی کاربرد تحلیل رفتار متقابل را بر بهبود مشاوره و ارتباط دانشجویان داروسازی با بیماران بررسی کرد و نتیجه گرفت آگاهی از این تکنیک به برقراری ارتباط مفید با بیماران کمک می‌کند (فتوحی بناب، حسینی نسب و هاشمی (۱۳۹۰)). در پژوهشی تحت عنوان اثر بخشی زوج درمان‌گری شناختی - رفتاری، اسلامی و تحلیل رفتار متقابل بر خودشناسی زوج‌های ناسازگار به این نتیجه رسیدند که آموزش رویکرد شناختی - رفتاری، اسلامی و تحلیل رفتار متقابل خودشناسی زوج‌های ناسازگار را افزایش می‌دهند و زوج درمان‌گری اسلامی نسبت به زوج درمان‌گری شناختی - رفتاری و تحلیل رفتار متقابل اثر بخش‌تر است. سلامت (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از روش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش تعارضات زناشویی زوج‌ها» به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از روش تحلیل رفتار متقابل باعث کاهش تعارضات زناشویی می‌شود و گروه آزمایشی به طور معنی‌داری با گروه کنترل تفاوت دارد. در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل در رضایت زناشویی ۲۴ زوج به شیوه‌ی تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایشی و کنترل، مورد مطالعه قرار گرفتند. مقایسه‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داد که این آموزش در رضایت زناشویی همسران مؤثر است. ترکان (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثربخشی گروه درمانی به شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل بر رضایت زناشویی» به این نتیجه رسید که رضایت زناشویی زوج‌های گروه آزمایش را که در درمان گروهی به شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل شرکت کرده بودند نسبت به گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون و پیگیری به طور معنی‌داری افزایش داده است. در پژوهشی محمدی، اسماعیلی و نیک (۲۰۱۰) به بررسی اثربخشی مشاوره‌ی گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر مهارت‌های ارتباطی دانشجویان پرداختند و نتیجه گرفتند که این رویکرد باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی، درک و خود ابرازی دانشجویان می‌شود از آنجا که بروز بیشتر تعارضات زناشویی به علت نبود ارتباط مناسب یا نداشتن مهارت کافی برای ابراز عواطف یا عشق خود به شریک زندگی در روابط زناشویی است، لذا پژوهش حاضر به منظور تعیین اثر بخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل به شیوه‌ی گروهی، بر عملکرد زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره‌ی بهزیستی شهرستان بروجن انجام شده است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این دو سوال است:

- ۱- آیا آموزش تحلیل رفتار متقابل به شیوه‌ی گروهی بر عملکرد زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره‌ی بهزیستی بروجن تأثیر دارد؟
- ۲- آیا آموزش تحلیل رفتار متقابل به شیوه‌ی گروهی بر حیطه‌های عملکرد زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره‌ی بهزیستی بروجن تأثیر دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: طرح این پژوهش از نوع تجربی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل تمامی زوج‌های ناسازگار مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره‌ی بهزیستی شهرستان بروجن در سه ماهه‌ی آخر سال ۱۳۸۹ می‌باشد. نمونه‌ی آماری پژوهش شامل ۲۰ زوج

¹.Lawrence

ناسازگار می باشد که از بین ۳۱ زوج ناسازگار مراجعه کننده به بهزیستی که به فراخوان محقق برای بهبود عملکرد زناشویی پاسخ مثبت داده بودند به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. آزمودنی ها به طور تصادفی به دو گروه مساوی (۱۰ زوج گروه آزمایش و ۱۰ زوج گروه کنترل) انتصاب شدند و گروه آزمایش و کنترل نیز با گمارش تصادفی در دو گروه قرار داده شدند. لازم به ذکر است که زوج های گروه آزمایش به صورت مختلط (زن و شوهر) در جلسات آموزش گروهی شرکت کردند. زوج های گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفتند تا پس از پایان تحقیق، جلسات آموزش گروهی نیز در مورد آنها اعمال گردد. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار سن زنان و مردان گروه های آزمایش و کنترل به تفکیک آورده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار سن زنان و مردان، به تفکیک گروه ها

جنسیت	گروه	میانگین	انحراف معیار
زن	آزمایش	۳۰/۹	۳/۴
	کنترل	۳۲/۲	۵/۰۷
مرد	آزمایش	۳۵/۲	۳/۶۳
	کنترل	۳۴/۱	۴/۸۱

همان طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، میانگین سن مردان و زنان گروه آزمایش به ترتیب برابر با ۳۵/۲ و ۳۰/۹ سال و این شاخص آماری برای مردان و زنان گروه کنترل به ترتیب برابر با ۳۴/۱ و ۳۲/۲ سال است.

در جدول ۲ فراوانی و درصد فراوانی افراد گروه آزمایش و گروه کنترل، به تفکیک جنسیت بر حسب وضعیت تحصیلی نشان داده شده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد فراوانی افراد دو گروه، به تفکیک جنسیت بر اساس وضعیت

تحصیلی

جنسیت	گروه	مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تراکمی
زن	آزمایش	دیپلم	۱	۱۰	۱۰
		لیسانس	۹	۹۰	۱۰۰
		فوق لیسانس	-	-	-
	کنترل	دیپلم	۵	۵۰	۵۰
		لیسانس	۴	۴۰	۹۰
		فوق لیسانس	۱	۱۰	۱۰۰
مرد	آزمایش	دیپلم	۵	۵۰	۵
		لیسانس	۴	۴۰	۴۰
		فوق لیسانس	۱	۱۰	۱۰۰
	کنترل	دیپلم	-	-	-
		لیسانس	۱۰	۱۰۰	۱۰۰
		فوق لیسانس	-	-	-

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد ۹۰ درصد (۹ نفر) از زنان گروه آزمایش دارای مدرک لیسانس و ۱۰ درصد (۱ نفر) دارای مدرک دیپلم و در مردان گروه آزمایش ۵۰ درصد (۵ نفر) دیپلم، ۴۰ درصد (۴ نفر) لیسانس و ۱۰ درصد (۱ نفر) دارای مدرک فوق لیسانس بودند. در زنان گروه کنترل، ۵۰ درصد (۵ نفر) دارای مدرک دیپلم، ۴۰ درصد (۴ نفر) دارای مدرک لیسانس و ۱۰ درصد (۱ نفر) دارای مدرک فوق لیسانس و در مردان گروه کنترل ۱۰۰ درصد (۱۰ نفر) دارای مدرک لیسانس بودند.

ابزار پژوهش: پرسش‌نامه‌ی عملکرد خانواده: در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه‌ی عملکرد خانواده به منظور بررسی عملکرد زوج‌ها استفاده شد. مقیاس سنجش عملکرد خانواده یک پرسش‌نامه‌ی ۶۰ سوالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر^۱ تدوین شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌کند و شش بعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌سازد. این ابعاد شامل: حل مشکل (۶ سؤال)، ارتباط (۷ سؤال)، نقش‌ها (۹ سؤال)، همراهی عاطفی (۸ سؤال)، آمیزش عاطفی (۸ سؤال)، و کنترل رفتار (۹ سؤال) می‌باشند. لذا ابزار سنجش خانواده متناسب با این شش بُعد، از شش خرده‌مقیاس برای سنجش آنها، به علاوه یک خرده‌مقیاس هفتم مربوط به کارایی کلی خانواده (۱۳ سؤال) تشکیل شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). برای سنجش گرایش پاسخ دهندگان از طیف مختلفی استفاده می‌شود. از جمله طیف گاتمن، ترستون، برش قطبین و طیف لیکرت. در این پژوهش برای سنجش گرایش دهندگان، از طیف لیکرت استفاده شده است. به این صورت که به گزینه‌ی قویاً موافقم، موافقم، مخالفم، و قویاً مخالفم به ترتیب از ۱ تا ۴ نمره داده می‌شود. لازم به ذکر است که در بعضی از پرسش‌ها، نمره‌گذاری به صورت معکوس از ۴ تا ۱ است. نمرات کمتر نشانه‌ی عملکرد سالم‌تر است. اگر خرده‌مقیاس کارایی عمومی را از تجزیه و تحلیل خارج کنیم، شش خرده‌مقیاس دیگر این ابزار نسبتاً از استقلال برخوردارند. ابزار سنجش خانواده تا حدی دارای روایی هم‌زمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه‌ی مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً شصت ساله، با مقیاس رضایت زناشویی لاک والاس هم‌بستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه‌ی سالمندی فیلادلفیا نشان داده‌است (ثنایی، ۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده با ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌های خود از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از هم‌سانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹). آمینتی در پژوهشی (۱۳۷۹) ضرایب آلفای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و کارایی کلی را به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۳۸، ۰/۷۲، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۶۱ و ۰/۸۱ گزارش کرده است. رضایی (۱۳۷۸)، به نقل از ثنایی، (۱۳۷۹) بر اساس پژوهش خود ضرایب آلفا را برای کل مقیاس و خرده-مقیاس‌های آن به ترتیب فوق معادل ۰/۹۱، ۰/۶۶، ۰/۶۷، ۰/۶۳، ۰/۴۲، ۰/۶۱، ۰/۳۸ و ۰/۷۳ گزارش کرده است.

در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسش‌نامه به روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای هر یک از خرده آزمون‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و کارایی کلی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۸، ۰/۶۳، ۰/۵۶، ۰/۶۹، ۰/۷۲ و ۰/۸۰ به دست آمد. هم‌چنین برای بررسی روایی آزمون از روش روایی صوری استفاده شد. بدین صورت که چند نفر از متخصصان رشته‌ی مشاوره و روان‌شناسی پرسش‌نامه‌ی فوق را بررسی و اظهار کردند که عملکرد خانواده را می‌سنجد.

1. McMaster Model

خلاصه‌ی جلسات آموزش تحلیل رفتار متقابل: جلسه‌ی اول: آشنایی، تعیین اهداف تحلیل ساختاری و کارکردی اولیه، آشنا کردن اعضا با سرنخ های کلامی و غیر کلامی حالات من و ترسیم اگوگرام جلسه‌ی دوم: آشنا کردن اعضا با مشکلات ساختاری و کارکردی شخصیت، طرد، آلودگی و روش‌های تثبیت حالات من

جلسه‌ی سوم: آشنا کردن اعضا با مفهوم تبادل و ارتباط متقابل، مفهوم تبادل مکمل، مقاطع و انواع آن جلسه‌ی چهارم: بیان ضرورت تقویت بالغ، تکنیک‌های پسرانی و مرورکننده‌ی (والد) و شیوه‌ی ارضا کردن کودک

جلسه‌ی پنجم: آشنایی با نوازش، انواع (کلامی و غیر کلامی، مثبت و منفی، شرطی و غیر شرطی)، و شیوه های کسب آن

جلسه‌ی ششم: آشنا کردن اعضا با ضرورت زمان و شش روش مختلف سازماندهی آن، آشنا کردن گروه به‌طور خاص با مفهوم (بازی روانی)، آشنایی با (مثلث نمایشی) و ارائه‌ی راه کار جهت شکستن جریان بازی روانی. جلسه‌ی هفتم: بیان ماهیت پیش‌نویس زندگی و انواع آن، آشنایی با وضعیت‌های چهارگانه‌ی زندگی و روند شکل‌گیری آن‌ها.

جلسه‌ی هشتم: آشنایی با مفهوم بالغ وحدت یافته- ارائه راهکارهای افزایش صمیمیت - تأکید بر کاربرد مفاهیم در زندگی و تعمیم آن به حیطه‌های واقعی زندگی.

یافته‌ها

در این بخش یافته‌های توصیفی حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به کل آزمون عملکرد خانواده و حیطه‌های آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی های دو گروه در مقیاس عملکرد

خانواده در مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون

مرحله	آزمایش	کنترل
پیش آزمون	میانگین انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
پس آزمون	۲۰۸/۶۰ ۸۶/۲۰	۲۱۰/۸۵ ۲۰۹/۲۵

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود میانگین گروه آزمایش در مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب برابر با ۲۰۸/۶۰ و ۸۶/۲۰ و میانگین گروه کنترل به ترتیب برابر با ۲۱۰/۸۵ و ۲۰۹/۲۵ است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی های دو گروه در حیطه‌های عملکرد خانواده در مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین گروه آزمایش در مرحله‌ی پیش‌آزمون در حیطه‌های عملکرد خانواده

کنترل		آزمایش		متغیرها	
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۰/۶۸	۲۱/۵۵	۱/۰۱	۲۲/۴۵	حل مشکل	پیش آزمون
۰/۹۶	۲۶/۴۵	۲/۳۵	۲۵/۳	ارتباط	
۰/۹۳	۳۰/۴۵	۱/۱۸	۳۰/۰۰	نقش‌ها	
۱/۵۶	۲۷/۰۰	۱/۲۲	۲۷/۵	همراهی عاطفی	
۱/۸۱	۲۸/۶	۱/۶۴	۱۹/۹۵	آمیزش عاطفی	
۱/۶۳	۳۰/۱۵	۱/۹۰	۲۹/۱۵	کنترل رفتار	
۱/۷۴	۴۶/۹۵	۱/۹۹	۴۲/۳۰	کارایی کلی	
۱/۲۶	۲۱/۵۵	۰/۸۲	۷/۳۵	حل مشکل	
۰/۹۴	۲۵/۱۵	۱/۲۲	۱۰/۰۰	ارتباط	
۱/۳۵	۳۰/۴	۲/۰۶	۱۳/۰۵	نقش‌ها	
۱/۰۱	۲۵/۹۵	۱/۳۹	۱۴/۱۰	همراهی عاطفی	پس آزمون
۱/۱۶	۲۸/۹۵	۱/۳۶	۱۰/۵۵	آمیزش عاطفی	
۰/۹۴	۳۰/۳۵	۱/۱۸	۱۲/۷۵	کنترل رفتار	
۳/۹۳	۴۱/۱۵	۰/۸۴	۱۶/۶۰	کارایی کلی	

به ترتیب برای حل مشکل برابر با ۲۲/۴۵، برای ارتباط برابر با ۲۵/۳، برای نقش‌ها برابر با ۳۰، برای همراهی عاطفی برابر با ۲۷/۵، برای آمیزش عاطفی برابر با ۱۹/۹۵، برای کنترل رفتار برابر با ۲۹/۱۵ و برای کارایی کلی ۴۲/۳۰ است. میانگین گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون برای حل مشکل برابر با ۷/۳۵، برای ارتباط برابر با ۱۰/۵۵، برای نقش‌ها برابر با ۱۳/۰۵، برای همراهی عاطفی برابر با ۱۴/۱۰، برای آمیزش عاطفی برابر با ۱۰/۵۵، برای کنترل رفتار برابر با ۱۲/۷۵ و عملکرد کلی برابر با ۱۶/۶۰ است.

این شاخص‌های آماری برای گروه کنترل در مرحله‌ی پیش‌آزمون برای حل مشکل برابر با ۲۱/۵، برای ارتباط برابر با ۲۶/۴۵، برای نقش‌ها برابر با ۳۰/۴۵، برای همراهی عاطفی برابر با ۲۷، برای آمیزش عاطفی برابر با ۲۸/۶، برای کنترل رفتار برابر با ۳۰/۱۵ و برای کارایی کلی ۴۶/۹۵ است و در مرحله‌ی پس‌آزمون به ترتیب برای حل مشکل برابر با ۲۱/۵۵، برای ارتباط برابر با ۲۵/۱۵، برای نقش‌ها برابر با ۳۰/۴، برای همراهی عاطفی برابر با ۲۵/۹۵، برای آمیزش عاطفی برابر با ۲۸/۹۵، برای کنترل رفتار برابر با ۳۰/۳۵ و برای کارایی کلی ۴۱/۱۵ است.

قبل از بررسی فرضیه‌ها برای رعایت پیش‌فرض تساوی واریانس عملکرد خانواده از آزمون لوین استفاده شده است که نتایج آن نشان داد از لحاظ واریانس این متغیر بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p=0/۸۳$)

و $F=0/04$.) همچنین نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنف جهت پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه دلالت بر این دارد که توزیع نمره های عملکرد خانواده به هنجار است ($Z=0/99$ $p=0/28$).

در پژوهش حاضر برای بررسی سؤال اول (نمره ی کل عملکرد خانواده) و مقایسه ی گروه های آزمایش و کنترل از تحلیل کوواریانس یک راهه استفاده شد. برای بررسی سؤال دوم پژوهش که مربوط به حیطه های عملکرد خانواده (۷ حیطه عملکرد خانواده) بود از روش تجزیه و تحلیل کوواریانس چند متغیری (MANCOVA) استفاده شد. این امر به دلیل وجود بیش از یک متغیر وابسته بود که لزوم استفاده از روش های چند متغیری را ایجاد می کند. پیش از تحلیل داده های مربوط به فرضیه ها، برای اطمینان از این که داده های پژوهش حاضر مفروضه های زیربنایی تحلیل کوواریانس را، که شامل خطی بودن، هم خطی چندگانه، همگنی واریانس و همگنی شیب رگرسیون برآورده می کنند، اقدام به محاسبه ی آنها شد. نتایج تحلیل داده ها محقق شدن همه ی مفروضه ها را نشان داد. باتوجه به این که همگنی شیب رگرسیون از همه ی مفروضه های کوواریانس مهم تر است، لذا در این جا تنها به گزارش یافته های مربوط به شیب رگرسیون در مورد نمره ی کلی عملکرد خانواده و حیطه های آن پرداخته شده است. جدول ۵ نتایج همگنی شیب رگرسیونی بین متغیر کمکی (پیش آزمون عملکرد خانواده) و وابسته (پس آزمون عملکرد خانواده) را در سطوح عامل (گروه های آزمایش و کنترل) نشان می دهد.

جدول ۵. نتایج همگنی شیب رگرسیون بین متغیر های کمکی و وابسته در سطوح عامل

تعامل پیش آزمون در سطوح عامل با	پس آزمون	مجموع مجذورات	درجه ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
عملکرد خانواده	۳۵/۶۲	۱	۳۵/۶۲	۲/۲۶	۰/۱۵۶	

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود، تعامل متغیر کمکی (پیش آزمون) و وابسته (پس آزمون ها) در سطوح عامل (گروه های آزمایش و کنترل) معنی دار نیست. بنابراین فرض همگنی رگرسیون در خصوص نمره ی کل عملکرد خانواده رعایت شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس تک متغیری بر روی نمره های پس آزمون عملکرد خانواده

منبع تغییر	حجم نمونه	مجموع مجذورات	درجه ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
آزمایش گروه	۲۰	۰/۴۰۰	۱	۰/۴۰۰	۰/۰۲۳	<۰/۸۸۱
گروه	۲۰	۷۱۱۳۳/۶۷	۱	۷۱۱۳۳/۶۷	۴/۳۰	<۰/۰۰۱
خطا	۲۰	۲۹۲/۸۳	۱۷	۱۷/۱۲۳	-	-

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود، F حاصل از مقایسه میانگین نمره های عملکرد کلی خانواده گروه آزمایش و گروه کنترل برابر با ۴/۳۰ است که در سطح مورد نظر ($P < 0/001$) معنی دار هستند.

به منظور بررسی سؤال دوم پژوهش از آزمون آماری کوواریانس چند متغیری استفاده شده است. پیش از ارائه‌ی یافته‌های حاصل از این بررسی، لازم به توضیح است که کلیه‌ی مفروضه‌های تحلیل کوواریانس در مورد حیظه‌های عملکرد خانواده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل داده‌ها، محقق‌شدن همه‌ی پیش‌فرض‌ها (خطی بودن، هم‌خطی چندگانه، همگنی واریانس و همگنی شیب رگرسیون) را نشان داد. همان‌طور که پیشتر بیان شد، در این‌جا تنها داده‌های حاصل از همگنی شیب‌های رگرسیون مربوط به ۷ حیظه‌ی عملکرد خانواده گزارش می‌شود. جدول ۷ نتایج همگنی شیب‌های رگرسیون بین متغیر کمکی (پیش‌آزمون حیظه‌های عملکرد خانواده) و وابسته (پس‌آزمون حیظه‌های عملکرد خانواده) را در سطوح عامل (گروه‌های آزمایش و کنترل) نشان می‌دهد.

جدول ۷. نتایج همگنی شیب‌های رگرسیون بین متغیرهای کمکی و وابسته در سطوح عامل

سطح معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات	پس آزمون‌ها	
۰/۱۰۱	۲/۹۹۲	۱/۵۹۸	۲	۳/۱۹۶	حل مشکل	
۰/۸۴۱	۰/۱۷۷	۰/۲۸۰	۲	۰/۵۶۱	ارتباط	
۰/۸۶۶	۰/۱۴۷	۰/۹۹۳	۲	۰/۹۹۳	نقش‌ها	
۰/۰۵۵	۴/۴۵۱	۳/۱۹۴	۲	۶/۳۹	همراهی عاطفی	تعامل پیش آزمون‌ها در
۰/۸۲۸	۰/۱۹۲	۰/۱۸۰	۲	۰/۳۶۱	آمیزش عاطفی	سطوح عامل با
۰/۱۷۸	۲/۱۰۵	۲/۳۴۵	۲	۴/۶۸۹	کنترل رفتار	
۰/۵۳۳	۰/۶۷۶	۰/۸۲۱	۲	۱/۶۴۱	کارایی کلی	

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، تعامل همه‌ی متغیر کمکی (پیش‌آزمون‌ها) و وابسته (پس‌آزمون‌ها) در سطوح عامل (گروه‌های آزمایش و کنترل) معنی‌دار نیست. بنابراین فرض همگنی رگرسیون‌ها رعایت شده است.

نتایج حاصل از تحلیل‌های کوواریانس چندمتغیری مربوط به حیظه‌های عملکرد خانواده در جدول ۸ آورده شده است.

**جدول ۸. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیری بر روی نمره های پس آزمون
حیطه های عملکرد خانوادگی زوجین دو گروه**

آزمون	اثر	F	درجه ی آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی داری
اثر پیلایی	۰/۹۶۹	۲۲/۴۹	۷	۵	<۰/۰۰۲
لامبدای ویلکز	۰/۰۳۱	۲۲/۴۹	۷	۵	<۰/۰۰۲
اثر هتلینگ	۳۱/۴۸۶	۲۲/۴۹	۷	۵	<۰/۰۰۲
بزرگترین ریشه روی	۳۱/۴۸۶	۲۲/۴۹	۷	۵	<۰/۰۰۲

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می شود، سطوح معنی داری همه ی آزمون ها بیانگر آن هستند که بین آزمودنی های گروه آزمایش و گروه کنترل، دست کم از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (حیطه های ۷ گانه ی عملکرد خانواده) تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام یک از حیطه های عملکرد خانواده بین دو گروه تفاوت وجود دارد، هفت تحلیل کوواریانس یک راهه در متن کوواریانس چند متغیری انجام شد که نتایج حاصل در جدول ۹ گزارش شده است.

**جدول ۹. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری بر روی نمره های پس آزمون حیطه های
عملکرد خانوادگی زوجین دو گروه**

عامل	مجموع مجذورات	درجه ی آزادی	میانگین مجذورات	F
حل مشکل	۲۳/۰۴	۱	۲۳/۰۴	۳۱/۶۶
ارتباط	۴۶/۰۷۱	۱	۴۶/۰۷۱	۳۴/۶۹
نقش ها	۲۰/۵۴	۱	۲۰/۵۴	۷/۱۸
همراهی عاطفی	۳۶/۲۷	۱	۳۶/۲۷	۳۱/۰۶
آمیزش عاطفی	۳۶/۷۹	۱	۳۶/۷۹	۴۵/۹۹
کنترل رفتار	۳۸/۸۸	۱	۳۸/۸۸	۲۹/۰۷
کارایی عمومی	۹۵/۵۹	۱	۹۵/۵۹	۸۳/۷۰

همان طور که در جدول ۹ مشاهده می شود F های حاصل برای حل مشکل برابر با ۳۱/۶۶، برای ارتباط برابر با ۳۴/۶۹، برای نقش ها برابر با ۷/۱۸، برای همراهی عاطفی برابر با ۳۱/۰۶، برای آمیزش عاطفی برابر با ۴۵/۹۹

۴۵، برای کنترل رفتار برابر با ۲۹/۰۷۲، و برای کارایی عمومی برابر با ۸۳/۷۰ است و کلیه‌ی F های به دست‌آمده در سطح مورد نظر ($p < ۰/۰۵$) معنی‌دار هستند.

نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل به شیوه‌ی گروهی برافزایش عملکرد زوج‌های ناسازگار شهر بروجن بود که روی ۲۰ زوج از زوج‌های مذکور که به فراخوان محقق پاسخ مثبت دادند، اجرا گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث بهبود عملکرد کلی خانواده زوجین گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شده است. این یافته با پژوهش انجام شده توسط کریستینسن و شنگ^۱ (۱۹۹۱) که در پژوهشی به این نتیجه رسید که مشکل در برقراری ارتباط سازنده‌ی متقابل از دلایل عمده‌ی عملکرد پایین زوج‌ها و اختلافات زناشویی می‌باشد و همچنین اصلانی^۲ (۱۳۸۲) و صفرزاده (۱۳۸۳) که بیان می‌کنند آموزش ارتباط و مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش عملکرد خانواده می‌شود همسو می‌باشد. در واقع آموزش TA به زوجین کمک می‌کند تا پیام‌های خود را صریح‌تر انتقال دهند و به درک بیشتری از یکدیگر نائل آیند. تمرین اصولی TA باعث می‌شود تا زوجین این عادات را به گنجینه‌ی رفتاری خود اضافه کنند و در موقعیت‌های مشکل ساز و تعارض بین زوجین به جای استفاده از رفتارهای تشنج‌زا مانند انتقاد بی‌جا، سرزنش، لعنه و کنایه، زخم زبان و غیره از شیوه‌های سازنده استفاده نمایند.

به‌علاوه، آموزش به شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل به شیوه‌ی گروهی باعث افزایش حیطه‌های عملکرد خانواده (حلّ مشکل، ارتباط، نقش‌ها، آمیزش عاطفی، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و کارایی عمومی) در زوجین ناسازگار گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شده است. نتایج حاصل درخصوص اثربخشی آموزش به شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش حلّ مشکل زوج‌ها با پژوهش انجام شده توسط سلامت (۱۳۸۵) که نشان داد آموزش TA باعث حلّ مشکل زوج‌ها می‌گردد هم‌سو می‌باشد. همچنین با نتایج پژوهش ساندرسون و کارتسکی^۲ (۲۰۰۲) هماهنگ است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بیشتر زوج‌هایی که در دوره‌های آموزش مهارت‌های ارتباطی شرکت داشته‌اند با هم روابط مؤثرتر و کارآتری دارند و بهتر با هم کنار می‌آیند و تعارض کمتری را تجربه می‌کنند. به علاوه زوج‌هایی که فاقد این مهارت‌ها هستند سطح بالاتری از تعارض را تجربه می‌کنند. همچنین فقیرپور (۱۳۸۱) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث حلّ مشکل زوج‌ها می‌گردد. زوج‌ها در اثر آموزش TA یاد می‌گیرند وقتی مشکلی بین آنها پیش آمد من‌های بالغ خود را درگیر مسأله کنند و من بالغ بر من والد و من کودک نظارت داشته باشد و علت اصلی مشکل به وجود آمده را بررسی و درصد رفع مشکل برآیند. همچنین یاد می‌گیرند که حتی اگر در حین بررسی مشکل هم نتوانستند من‌های بالغ خود را به کار گیرند بعد از اتمام آن به‌طور منطقی آن را بررسی کنند و مشخص کنند علت اصلی مشکل به وجود آمده، چه بوده و با همدیگر به یک نتیجه‌ی منطقی برسند.

1. Christensen & Shenk

2. Sanderson & Karetsky

نتایج حاصل درخصوص افزایش ارتباط زوج‌ها با پژوهش‌های کریستنسن و شنگ (۱۹۹۱)، فقیرپور (۱۳۸۱)، پهرانی (۱۳۸۴)، آذرین، ناستیر و هانس^۱ (۱۹۹۴) و ترکان (۱۳۸۵) هماهنگ می‌باشد. این پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش و بهبود ارتباط زوج‌ها می‌گردد. هم‌چنین گودرزی (۱۳۸۶) در تحقیقی که از روش ارتباطی ستیر بر روی زوج‌های ناکارآمد استفاده کرده بود به این نتیجه رسید که آموزش ارتباطی باعث افزایش ارتباط سالم بین زوج‌ها می‌گردد. با توجه به این که آموزش TA باعث می‌گردد زوج‌های شرکت‌کننده حالات نفسانی خود را تشخیص دهند و سه قسمتی که در ارتباط از آن استفاده می‌شود را شناسایی کنند و بدانند که در یک ارتباط از کدام حالت نفسانی استفاده می‌کنند و چگونه یک ارتباط با میانجی‌گری حالت من بالغ می‌تواند تداوم یابد، و به‌طور موازی ادامه پیدا کند به طوری که باعث افزایش ارتباط گردد و والد عیب‌جوی خود را کمتر استفاده کنند و کودک همدیگر را بیشتر بشناسند و بالغ را فعال کنند می‌توان نتیجه گرفت آموزش TA باعث افزایش ارتباط می‌گردد.

یافته‌های به دست آمده درخصوص کارایی نقش‌های زوجین با یافته‌های گودرزی (۱۳۸۶) که نشان داد مشاوره‌ی گروهی و ارتباطی بر روی زوج‌های ناکارآمد باعث افزایش نقش‌های زوج‌ها می‌گردد و هم‌چنین با پژوهش صفرزاده (۱۳۸۳) که به بررسی آموزش مهارت‌های زندگی و برقراری ارتباط زناشویی کارآمد هماهنگ می‌باشد. با توجه به این که در اثر آموزش TA بر حسب موقعیت واکنش‌های فرد یا حالت من او نیز تغییر می‌کند به طوری که فرد برای تغییر الگوهای رفتاری گرایش پیدا می‌کند و در زمان‌های گوناگون با توجه به این که افراد در خانواده چه نقش‌هایی را می‌گیرند از حالات نفسانی گوناگون استفاده می‌کنند و می‌توانند آن‌چه را یاد گرفته‌اند، دوباره تغییر دهند و به‌طور ایده‌آل شکل دهند. بعد از آموزش TA هر فرد می‌فهمد که در زندگی زناشویی خود در کدام یک از جایگاه‌های نمایش‌نامه‌ی زندگی قرار دارد و در ارتباط با زوج خود از کدام یک از جایگاه‌های ارتباط استفاده می‌کند. زوج‌ها با تشخیص نقش خود و چگونگی شکل‌گیری آن سعی می‌کنند من بالغ خود و تفکر آگاهانه را فعال کرده تا به جایگاه من خوب هستم تو خوب هستی برسند. که این باعث افزایش کارایی نقش‌های زوج‌ها می‌شود.

هم‌چنین آموزش زوج‌ها به شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش آمیزش عاطفی آنان می‌شود. این پژوهش با یافته‌های گارلند^۲ (۱۹۸۱) که اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در درک متقابل را مورد ارزیابی قرار داد و نشان داد که زوج‌هایی که آموزش دیده بودند در زمینه‌ی درک نگرش و احساسات همسر خود به‌طور معنی داری افزایش نشان داده بودند، هم‌چنین با پژوهش‌های گودرزی (۱۳۸۶)، پویان فرد (۱۳۸۱) و اصلانی (۱۳۸۲) همسو می‌باشد. این پژوهش‌ها نشان دادند آموزش مهارت ارتباطی باعث درک بیشتر همسر خود می‌گردد. در اثر آموزش به زوج‌ها چون افراد هم نسبت به خود و هم نسبت به همسر خویش شناخت پیدا می‌کنند و نیز زوج‌ها جنبه‌های مثبت عملکرد خانواده را تقویت می‌کنند و جنبه‌های آسیب‌پذیر آن را اصلاح و ترمیم می‌نمایند و ارتباط والد، کودک زیر نظر بالغ افزایش پیدا می‌کند و این امر باعث آمیزش عاطفی زوج‌ها می‌گردد.

1. Azarin, Nastier & Hanes

2. Garland

F به دست آمده از مقایسه‌ی دو گروه درخصوص همراهی عاطفی زوج‌ها نشان می‌دهد در این حیظه از عملکرد خانواده آزمودنی‌های گروه آزمایش افزایش داشته است و این یافته با پژوهش‌های وود و دیویدسن^۱ (۱۹۹۳) هم‌خوانی دارد. آنها نشان دادند که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش محبت بین زوج‌ها می‌شود. همچنین با نتایج پژوهش هالفورد، مارکمن، کلین و استافر^۲ (۲۰۰۳) نیز هم‌سو است. آنها نیز دریافتند زوج‌هایی که آموزش ارتباطی دیده‌اند احساس مثبت بیشتری نسبت به همدیگر دارند و بیشتر با هم همراهی عاطفی دارند و رفتارهای مراقبتی و توجه‌آمیز نسبت به هم نشان می‌دهند. همچنین با نتایج تحقیق عرفانی اکبری (۱۳۷۸) که بیان می‌دارد، آموزش رفتاری-ارتباطی به زوج‌ها باعث افزایش علاقه و محبت در زوج‌ها می‌شود، هم‌سو است. همچنین پژوهش شیرالی‌نیا (۱۳۸۶) نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش احساس مثبت و علاقه‌ی زوجین نسبت به هم‌دیگر می‌شود. نوازش و صمیمیت در TA باعث می‌گردد که زوج‌ها بتوانند یک رابطه‌ی بی‌ریا و نزدیکی با هم داشته باشند و در آن برتری و سلطه‌جویی دیده نشود. من‌های کودک یکدیگر را پیدا کنند (زیر نظر من بالغ) و دست نوازشی بر روی آنها بکشند. زمانی که کودک آزرده‌ی یکی از زوجین نمودار می‌شود والد حمایت‌گر همسر کودک آزرده‌ی درون فرد را آرام می‌کند و او را نوازش می‌دهد. که این امر باعث همراهی عاطفی زوجین می‌گردد.

از دیگر نتایج آموزش زوج‌ها به شیوه‌ی رفتار متقابل، افزایش کنترل رفتار زوج‌های گروه آزمایش است. این یافته با پژوهش مارکمن (۲۰۰۳) تحت عنوان راه‌های پیشگیری از تنش‌های زناشویی و کنترل رفتار از طریق آموزش نحوه‌ی ارتباط هماهنگ می‌باشد. نتیجه‌ی این پژوهش نشان داد که همسران با سطوح بالاتری از ارتباط و سطوح پایین‌تری از مهارت‌های ارتباطی منفی توانایی بیشتری برای کنترل رفتار دارند. همچنین با یافته‌های اصلانی (۱۳۸۲) و صفرزاده (۱۳۸۳) نیز هماهنگ می‌باشد. آنها در بررسی نشان دادند که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش کنترل رفتار می‌شود. با توجه به این نکته که در این نظریه استفاده کردن از همه‌ی حالات نفسانی الزامی می‌باشد و اگر افراد من بالغ خود را در زمانی که کنترل رفتار از دست شان خارج می‌گردد به کار گیرند و نیز با توجه به این که من بالغ بیشتر به تجزیه و تحلیل می‌پردازد و بیشتر عاقبت اندیش است، معقول می‌باشد و همیشه واقعیت و موقعیت‌های گوناگون را ارزیابی می‌کند. می‌توان به این نتیجه رسید که در صورت پرورش من بالغ و استفاده از من‌های دیگر به طور سالم، باعث می‌شود که انسان موقعیت‌های متفاوت را ارزش یابی و بعد از آن رفتار کند و کنترل بیشتری بر رفتار خود داشته باشد.

در نهایت، یافته به دست آمده با نتایج پژوهش انجام شده توسط کریستینسن و شنگ (۱۹۹۱) که در پژوهشی به این نتیجه رسید که مشکل در برقراری ارتباط سازنده‌ی متقابل از دلایل عمده‌ی عملکرد پایین زوج‌ها و اختلافات زناشویی می‌باشد و همچنین اصلانی (۱۳۸۲) و صفرزاده (۱۳۸۳) که بیان می‌کنند آموزش ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش کارایی عمومی می‌گردد، هماهنگ است. در واقع آموزش TA به زوج‌ها کمک می‌کند تا پیام‌های خود را صریح تر انتقال دهند و به درک بیشتری از یکدیگر نائل آیند. تمرین اصول TA باعث می‌شود تا زوج‌ها این عادات را به گنجینه‌ی رفتاری خود اضافه کنند و در موقعیت‌های مشکل‌ساز و تعارض بین

1. Wood & Davidson

2. Halford., Markman,, Klin. & Stanfr

همدیگر به جای استفاده از رفتارهای تشنج‌زا مانند انتقاد بی‌جا، سرزنش، طعنه و کنایه، زخم زبان و غیره از شیوه‌های سازنده استفاده نمایند.

به طور خلاصه با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گرفت که آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش حل‌مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و کارایی عمومی و در کل افزایش عملکرد زوج‌ها می‌شود و از مشکلاتی که ممکن است برای زوج‌ها به‌وجود آید پیشگیری کند. یعنی آموزش تحلیل رفتار متقابل و تعمیم آن به دیگر سطوح زندگی زناشویی و اجتماعی موجب می‌شود زوج‌ها، نسبت به دیگر مسائل زندگی و تعارضات دید بازتری پیدا کنند.

سپاس و قدردانی

بدین وسیله از کارکنان اداره‌ی بهزیستی شهرستان بروجن و همه‌ی عزیزانی که ما را در مراحل مختلف انجام این پژوهش یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.



منابع

- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۴). روان‌شناسی درون خانواده. تهران: انتشارات صدرا.
- اصلانی، خالد (۱۳۸۲). بررسی نقش مهارت‌های ارتباطی بر کارایی خانوادگی دانشجویان متأهل. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- امینی، فریده (۱۳۷۹). مقایسه‌ی کارایی خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر وابسته و مستقل. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلّم تهران.
- برن، اریک (۱۹۷۵). بعد از سلام چه می‌گویید؟ ترجمه‌ی مهدی قراچه داغی (۱۳۷۰). تهران: نشر البرز.
- برن، اریک (۱۹۷۵). تحلیل رفتار متقابل. ترجمه‌ی اسماعیل فصیح (۱۳۷۳). تهران: نشر فاخته.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹). مدل‌های زوج درمان‌گری. فصل‌نامه تازه‌های روان‌درمانی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷، ۵۰-۳۴.
- بک، آرون تی (۱۹۶۴). عشق هرگز کافی نیست: شیوه‌های نو برای حل مشکلات زناشویی. ترجمه-ی مهدی قراچه داغی (۱۳۸۱). نشر پیکان.
- پویان فر، آریتا (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی بین کارایی خانوادگی با سلامت عمومی زوجین دانشجویان شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ترکان، هاجر (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی گروه درمانی به شیوه‌ی تحلیل تبادلی بر رضایت زناشویی زوج‌های شهر اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی بالینی، دانشگاه اصفهان.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۵). ازدواج، انگیزه‌ها، پرتگاه‌ها و سلامت آن. نشریه‌ی پژوهش‌های تربیتی، ۳ و ۴ (۹)، ۲۸-۱۴.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- ثنایی، باقر (۱۳۸۱). روان‌درمانی و مشاوره‌ی گروهی. تهران: انتشارات چهر.

سلامت، مائده (۱۳۸۴). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از روش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شیرالی‌نیا، خدیجه (۱۳۸۶). آموزش مهارت‌های ارتباطی و تأثیر آن بر تغییر الگوهای ارتباطی و ایجاد احساس مثبت بین زوج‌ها. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز.

شی یو، مایکل و کارور، چارلز (۱۹۶۵). نظریه‌های شخصیت. ترجمه‌ی احمد رضوانی (۱۳۷۵). مشهد: آستان قدس رضوی.

صالحی فدردی، جواد (۱۳۷۸). رضامندی زناشویی. تازه‌های روان‌درمانی، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، ۸۴-۱۰۸.

صفر زاده، مریم (۱۳۸۳). بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی و برقراری ارتباط زناشویی کارآمد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.

طهرانی، فاطمه (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر افزایش رضایت زناشویی زنان ساکن اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

عرفانی اکبری، معصومه (۱۳۷۸). بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت و تأثیر درمان رفتاری - ارتباطی بر آن. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهراء.

فتوحی بناب، سکینه، حسینی نسب، سید داود و هاشمی، تورج (۱۳۹۰). اثربخشی زوج درمانگری شناختی- رفتاری، اسلامی و تحلیل رفتار متقابل بر خودشناسی زوج های ناسازگار. مطالعات روان‌شناختی، دوره ۷، شماره ۲، ۳۷-۵۸.

فقیر پور، مقصود (۱۳۸۱). نقش مهارت‌های ارتباطی در سازگاری زناشویی و طرح یک مدل آموزشی و ارزشیابی آن. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهراء.

کلانتری، مهرداد (۱۳۷۳). روان‌شناسی روابط خوب. اصفهان: انتشارت کنکاش.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۹۹۶). **خانواده درمانی**. ترجمه‌ی حمید رضا شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند (۱۳۸۵). تهران: انتشارات روان.

گودرزی، محمود (۱۳۸۶). **اثر بخشی مشاوره‌ی گروهی با رویکرد ستیر بر عملکرد زوج‌های ناکارآمد**. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.

Azarin, N. H., Nastier, B. J., & Hanes, R. (1994). Reciprocity counseling: A rapid based procedures for marital. *Journal of Counseling, 22, 92-117.*

Christensen, P., & Shank, I. (1991). Communication conflict and psychological distance. *Journal of Clinical Psychology, 17 (1): 342-354*

Corey, G. (1994). Theory and practice of counseling. California: Book Cole.

Elens, W., Emmel kamp, P., Macgill very, D., & Markvoot, M. (1980). A clinical evolution of marital treatment: Reciprocity counseling vs. system theoretic counseling. *Behavioral Analysis Modification, 4, 85-96.*

Garland, D. R. (1981). Training married couples in listening skills. *Family Relation, 130(7): 158- 171*

Goldenberg, I., & Goldenberg, H. (1998). Counseling therapy family. Pacific Grove, CA: Brooks/ Col Publishing Co.

Halford, W., Mark man, J. H, Kiln, H., & Stanly, S.M. (2003). Best practicing in couple relationship education. *Journal of Marital and Family Therapy, 29, No.3. 385 – 406.*

Jon, S. (2007). The assessment of marital quality: A reevaluation. *Journal of Marriage and The Family, 4,9, 797 – 809 .*

Kececi, A., & Tasocak, B. G. (2009). Nurse faculty members ego states: Transactional analysis approach. *Journal Nurse Education Today, 29, 746-752.*

Lawrence, L. (2007). Applying transactional analysis and personality assesment to improve patient counseling and communication skills. *American Journal of pharmaceutical Education, 71(4), 1-5.*

Markman, H. J. (2003). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4 and 5 year follow-up. *Journal of Counseling and Clinical Psychology, 61, 70-77.*

Mohammadi, M., Esmaeily, M., & Nik, A. (2010). The effectiveness of group consultation in the method of transactional analysis over the students's communicative skills. *Procedia Social and Behavioral Sciences, 5, 1490-1492.*

Sanderson, C. A., & Karetzky, K. H. (2002). Intimacy goals and strategies of conflict resolution in marital relationship. *Journal of Marital and Family Therapy, 19*, 317 – 337.

Wood, C., & Davidson, G. (1993) Building communication and conflict – resolution skills in marriage counseling. *Journal of Marriage and The Family, 4.*,341 – 350.

